

کدام واقعیت

نیست ، بلکه میگوئیم آزادی و مالکیت شخصی در مردم ایجاد حس فعالیت و ابتکار و دقت در کار مینماید که بنفع و ترقی جامعه تمام خواهد شد . بعکس اگر سلب اختیار و آزادی از محصول زحمت و دسترنج افراد شود ، پیداست که این امر گذشته از تصادمش با روح آزادی ، قهراً از قوه فعالیت و ابتکار اشخاص هم میکاهد .

آری پیدایش اختلاف طبقاتی که واقعاً ناشی از استثمار و تعدی طبقه ای بطبقه دیگر باشد قطعاً قبیح و منضر و مورد هرگونه ایراد و انتقاد است ، و دین اسلام آنرا شدیداً نیز منع و تحریم نموده است .

دین اسلام ، گذشته از هدف عالی خود در ترقی و تکامل اجتماع ، بدادن دستورهای برادری و وحدت و یگانگی و الغاء همه امتیازات بین افراد و کار برای همه (چنانکه سابقاً گفتیم) که بکلی اینگونه دستورات منافی با استثمار

در روش اقتصاد اسلام کاملاً آزادی افراد را که از شئون آن آزادی در کار و پیشه و تصرف در محصول کار است تأمین مینماید . جان و عرض و مال افراد در نظر دین محترم است و تمام محصول و دسترنج هر شخص ملک همان شخص است ، مگر در جائیکه آزادی شخص مزاحم با آزادی دیگران و مستلزم ضرر آنها شود ، بشرحی که در کتب فقه مذکور است .

و در صورت آزادی مالکیت ((مالکیت شخصی)) پیدایش اختلاف طبقات ، در ثروت فاحشی که آنها ناشی از زیادی زحمت و فعالیت و زیادی استعداد طبیعی طبقه ای باشد ، البته عقلاً مورد انتقاد و ایراد نیست ، کمابینکه ذیلاً بشرح آن خواهیم پرداخت . این اختلاف مانند اختلاف قد ، زیبایی و زشتی اندام ، استعداد اشخاص ، و هزاران اختلاف دیگر در عالم طبیعت ، امری طبیعی است و مورد هیچگونه ایراد منطقی

نموده است، بوسیله دستورات و مقررات دیگری از تراکم و تجمع سرمایه های هنگفت و پیدایش اختلاف شدید طبقاتی و تنازع آنها جلوگیری کرده است. آن دستورات و مقررات بدینقرار است.

۱ - دستور انفاق و کمک باقتصادیات طبقه ضعیف در تحت عناوین متعدده مخصوصی از واجب و مستحب چون زکوة مال و زکوة بدن، خمس، کفارات، اداء نذور که امور واجبه هستند، صدقات مستحبه، وقف، وصیت بثلک، هدیه که امر مستحبه میباشد، صله ارحام، قربانی، که گاه واجب و گاه مستحب میباشد.

۲ - دستور تعاون و کمک بر بر و نیکی که از این جمله است: کمک بتشکیل مؤسسات خیریه و امور عام المنفعه چون بیمارستان، ساختن جاده و پل، پرورشگاه.....

۳ - دستورات ارث هم موجب تقسیم اموال و مانع از رکود سرمایه نزد شخص معین میگردد

۴ - دستور عام در کمک باقتصادیات ضروری طبقه ضعیف. این دستور در تحت عنوان خاصی چون وقف و یا وصیت و یا مشروط بشرائطی

طبقه معین است، در حد نازل میگوید مردم باید از هرگونه ظلم و تعدی و ایذاء و بیرحمی و اجحاف و اضرار نسبت بیکدیگر جداً خود داری نمایند. اسلام ظلم را بزرگترین گناهان بشمرده و قبول توبه ظالم را مشروط بر برد مظلمه بصاحبش و استرضای خاطر او نموده است مدارك از قرآن و روایات دربارهٔ تحریم تجاوز بحقوق دیگران زیاده از حد تصور است. دین اسلام دین دادخواهی و عدالت و انصاف و شفقت و رحمت است، پیروانش را پیوسته بعدالت و انصاف، ولو بزبان خود، دستور میدهد.

دستورات منع از تراکم اگر گفته شود: در اختلاف سرمایه در اسلام: طبقاتی که از زیادی فعالیت و استعداد حاصل میشود، ممکن است تدریجاً امر منجر بتراکم و تجمع سرمایه و ثروت طبقه ای شود و این معنی موجب خیره شدن انظار طبقه دیگر و در نتیجه مستلزم تنازع طبقاتی میگردد.

میگوئیم: دین اسلام در عین حال که احترام بمالکیت خصوصی گذاشته، که بدین وسیله چنانکه گفتیم آزادی و اختیار فردی را حتی در محصول زحمت و دسترنجشان تأمین و قوهٔ فعالیت و ابتکار آنان را تقویت و تحریک

چون رسیدن مال مخصوص بحد معین و مرور زمان خاص، مانند زکوه در اموال نیست، بلکه تنها شرط وجوب و لزومش ضرورت احتیاج طبقه ضعیف است. اسلام میگوید در مورد ضرورت احتیاج، طبقه ضعیف بر عهده طبقه قوی است که با آنها مواسات داشته: احتیاجات آنان را رفع بنماید و شدیداً منع مینماید از اینکه مسلمانی گرسنه و یا برهنه و یابی مأوی بماند و یا احتیاج دیگری داشته باشد و دیگران با داشتن تمکن رفع احتیاجات او را نمایند. اسلام حرص بر ثروت و بخل از انفاق در راه خدایا موجب شقاوت و هلاکت آدمی میداند و جداً این دو صفت را مورد مذمت قرار داده و میگوید رستگاری، در صیانت نفس، از این دو صفت است.

۵ - دستور منع از محبت دنیا - یگانه

دستور ارجدار دینی که تا بحال اکثر مردم بمعنا و ارزش آن در اصلاحات اجتماعی واقف نگشته و پی نبرده اند، بلکه دشمنان دین آنرا مورد انتقاد و ایراد جاهلانه خود قرار داده اند همانا دستور منع از محبت دنیا است.

مارکسیسم، محرک و عامل اصلی همه اعمال بشر و انقلابات و فساد و خونریزی و وقایع تاریخی را خود مادیات و اقتصادیات پنداشته و یگانه راه اصلاح را مالکیت اشتراکی مادیات و یا - اقل و وسایل تولید دانسته است.

ما میگوئیم محرک و عامل اساسی انقلابات و فساد، محبت بمادیات و اقتصادیات است. و آنها ناشی از محبت بخود است. آدمی طبیعتاً خود را دوست داشته و میخواهد.

خود خواهی منشأ دنیا خواهی میگردد و این دنیا خواهی افراد بشر در جامعه یعنی خواستن هر فرد، دنیا را برای خود، موجب همه زشتیها و بدیها مانند آز، رشک، فریب، خود نمائی، دروغگوئی، کینه جوئی، تفرقه، ستم، زرد خورد، خون ریزی و خرابی جهان میگردد. آری این محبت دنیا است که منجر بهمه گونه مفاسد و انقلابات و خونریزیها میشود از اینرو اسلام بذر هر فتنه و ریشه هر محنت و سر هر خطا را محبت دنیا و راه اصلاح را تعدیل حس محبت دنیا میداند، و با عدم تعدیل این حس پیوسته هر کس بمیل خود طالب این است که

دنباله شاهراه سعادت

و سر سام آورد سرقت های اتومبیل و حملات مسلحانه بیانکها و مراکز تجارتي در آمریکا و انگلیس و آلمان و سایر کشورهای پیشرفته غرب را بپذیریم ، یا اثرات روش تربیتی شما را .

مگر چند نفر را ممکن است بامتدهای تحقیقی روانی مورد مداوا و درمان قرار داد؟ آیا امکان دارد . ۱۱۳۳۴ نفر سارق اهل نیویورک یعنی مهد تمدن و سبیل کشورهای پیشرفته و مترقی جهانرا که بنا به نوشته اطلاعات فروردین ماه ۱۳۴۱ تنها در سال ۱۹۶۱ بجرم دزدی باز داشت شده اندو در آمد حداقل آنها چهار صد ملیون دلار بوده است !! در يك محیط تحقیقی تربیتی و درمانی جمع کرد و آنها را مداوا نمود ؟ و تازه اگر این امر بفرص ، صحت هم داشته باشد نظر این آقایان محترم در باره مرتکبین خلافهای دیگر چیست و راه علاج آنها را چگونه تشخیص میدهند .

گسترش دامنه فساد همچون سیلی است عظیم و بنیان کن که ریشه اجتماعات را تهدید میکند و محال است با مختصر خارو خاشاک تربیت و مداوای روانی بتوان در مقابل آن ایستادگی کرد و آنرا مهار نمود «اصلاً معلوم نیست که مامعطل چه هستیم ؟ آیا بریدن انگشتان دزدو نواختن نازیا ته بریدن زناکار و شارب خمرو مفسده انگیزان دیگر در برابر چشم هزاران تماشاچی اثرش بیشتر است یا آنکه ملیون هامجرم رادر کلاسهای تربیتی گرد آوریم و با آنها الفبای عفت و تقوی و فضیلت بیاموزیم ؟ «دین اسلام پراگماتیسم و عمل است و قوانین و حدود قرآن باید در اجتماعات عملاً پیاده شود .

هنگامیکه زنی زناکار را به حضور پیغمبر آوردند و آنحضرت تصمیم گرفت او را سنگسار نماید گروهی از دایه های دلسوز تراز مادر و بقول معروف کاتولیکتر از پاپ خواستند از اجرای حد الهی جلوگیری کنند و بیهانه اینکه شخصیت و موقعیت آن زن در خطر است قرار نهادند پیغمبر را از فکر مجازات وی منصرف نمایند « اما بنا بنوشته تاریخ علیرغم تمایلات و دلسوزیهای بیمورد آ نهائی

که فکر تجدید مرام منحنی و سنتهای آلوده دوران جاهلیت را در سر میروانند رسول اکرم آن زن را در برابر دیدگان انبوهی از جمعیت مردان و زنان مسلمان سنگسار نمود و بدین وسیله بجامه بشریت ثابت کرد که برای تاسیس جوامع فعال و سالم و نیرومند - و مترقی ، لازم است احکام الهی و حدود قرآن عملاً و آنهم در برابر دید عمومی بمرحله اجرا در آید و امروزه خوشبختانه از نظر روانشناسی ثابت شده است که چشم مهمترین عضو حسی بدن است که ۷۵٪ درک و فهم مطالب بوسیله آن انجام میگیرد بهر حال از آنچه بیان شد باین نتیجه می‌رسیم که اجتماع مادی کنونی يك بیمار روانی است و توصیه‌های روان شناسان و متخصصین روانی در مورد مداوای آن تنها حکم مسکن و کاهنده درد را دارند ولی بهیچوجه قادر به از بین بردن ریشه بیماری نیستند و روی همین اصل است که هر چه پیش می‌رویم بدون آنکه مشکلی حل شود با مسائل و عقده‌های تازه‌ای روبرو می‌شویم، اما خوشبختانه تعالیم آسمانی و حدود و احکام قرآن که روزگاری جامعه منحنی و آلوده . دوران جاهلیت را از مرگ حتمی نجات بخشید و باوج اقتدار و عظمت رسانید امروز نیز قادر است اوضاع پریشان و آشفته دنیای ما را سروسامان بخشد و باین همه هر چه روح‌های اخلاقی و تابسانیه‌های موجود خاتمه دهد .

در پایان گفتار ، نظر شمارا بدو آمار و حشنتاكو و تكا ندهنده در باره كثرت جنایات و بی بندو باریهای جنسی و اخلاقی در آمریکا و فرانسه جلب نموده و حل مشکلات ناشی از آنرا بعهده دانشمندان و روانشناسان دلسوز و مهربان قرار میدهیم:.

۱ - روزنامه کیهان در شماره ۱۸۹۶ بنا بنقل از خبر گزارى آسوشیتد پرس نوشته است که اداره آگاهی فدرال طی گزارشی خاطر نشان ساخت که در هر دقیقه چهار جنایت در آمریکا رخ میدهد و جنایات يك ساله برابر با $\frac{1}{6}$ کلیه متولدین است که در سال بجمعیت آمریکا افزوده شده است !

۲ - اطلاعات شماره ۱۰۶۷۶ بنقل از مطبوعات فرانسه مینویسد: در فرانسه در يك رقص راک اندرول چندین هزار دختر و پسر شرکت کردند و ناگاه چنان بهیجان آمدند که هر چه بدستشان آمد شکستند و نا بود کردند و در حدود دو میلیون فرانک به مؤسسهٔ مربوطه خسارت وارد کردند.

باش تا صبح دولتت بد مد کاین هنوز از نتایج سحر است

دنباله نظریات اسلام.... داخلی بشر را نموده موجب راحتی و آرامش وی هرگونه بتواند دنیا را بسمت خود جلب کند نگردد و هر آن منتظر فرصت است که برای جلب دنیا بسوی خود و تسکین احساس داخلش از خود، سایر افراد بشر را هم درخارج بیشتر از هیچگونه زشتکاری و خیانت و ستمکاری که مشتراکی درخارج بزور اسلحه علاج در دو مرض ممکن شود دریغ نکنند: دنباله در شماره آینده

فرموده امیرالمومنین علی (ع)

لَيْسَ مَنَّا مَنْ لَمْ يَحْسَبْ نَفْسَهُ كُلَّ يَوْمٍ

آسیکه هر روز بحساب اعمال نفس خود نپردازد ازمانیست